

<p>باین یک بیت جوش را علی الاجمال انفاکن وگر هر وصف کش میخوای آمدش اعلان بیا و عرض حال خویش بر فداش نشاکن جمال خود نارحمی بجان زار شهید کن دیان بکشاد از راه کرم اچانی موتی کن بیا و عالمی بر روشن از نور سجلا کن شکست درون و گرمی این بازار سودا کن بلطف اسنان بسین و از کرم اچامی کن بعدل و دقت خود بر طرف این شوخو فغان بمیزان عدالت قدر هر یک را هویدا کن طریق صدق و آئین و فارا باز پیدا کن بدین آئین بیان خلق رسم عدل چاکن ز سر بفرست عثمان را و قطع امر شور کن بفرمایش که قلع باغیان و قمع اعدا کن رواج رونق بازار علم و کار تقوی کن بیغ ظالمان حکم نیابت را بعیا کن بلطف خود سرو سامان صحیحی سرو پا کن بلطف خویش هم امروزیم در روز فردا کن که حوالی تو معلوم است اظهارش کن بیان سکونت و زرو تسکین دل خود از قسما کن</p>	<p>شناش گوئی چون نیست اینایش نه تو مکن خوان اول خدا از پیرام شرع و مخط دین چو از انشاء تفصیل صفاتش عبودی دل خرابم در غم بجز حالت یار رسول الله ایران تو جان دادند و بر بجز لب لعلت جهان تاریک شد از ظلمت ظلم پیران زیان کاران بازار هو سودای زرد از بند همه بی همتان و هر بخل آئین خود کردند ز ظلم ظالمان شورش و غوغا هر طرف آن بسنگ سیم و زر جاہل گرانبارت از عالم بصدیق صداقت پیشه فرما تا قدم آورد عمر را باز نشان بر سر بر عدالت آئین همه کس است از عجب و تکبر دعوی اندر سر بدفع حیل این رویان بفرست شیر حق بزور بازوی خیر کشا بنیاد جهل افکن و گرنای تو بایاران بظلم آباد این دنیا بهر صورت که باشد یار رسول الله کرم فرما محب آل و اصحاب تو ام کار من حیران بیاخته مده تصدیج خدام جبابش را بقسمت باش رضی و مفرز الالبشر حق</p>
--	---

قال بعض اصحابنا فی تاریخ هذا الكتاب
 طبیب مدحہ الفاسک نادر السرقوة و غنہ نام تاریخ این کتاب عینا اگر کنی ذکر الابدان حسن

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب اخبار الانجیل تمام شد و بحقیقت تمام آفرینان شود که از ذکر میل قدوة الاخبار زبدة المقبرین الابرار قطب الاقطاب جهانیان
 آید نظر تکلیفات الهی مصدر برکات نامتناهی امام بانی مجد و انبیا شیخ احمد سرسندی رضی الله عنه طرفی بر بند و از آنجا که
 شیخ مصنف رحمه الله علیه در آخر عمر از آن خیالات که نسبت بحضرت ایشان در شب جمیع فرمود آوردن ذکر این اقدام
 کمالان و سبب و صلوات و در آخرین کتاب مناسب نمود و چون در حقیقت کارگری اول آن خیرگی است بهر جمع شیخ مشهور و بر
 اسناد ثقات مذکور و این امر ظاهر تر شود چون به مینی مکتوب شیخ را که در آخرین نسخه میاریم انشاء الله تعالی بالجمله نسبت بنجاب
 بست و هشت واسطه به امیرالمومنین سیدنا عمر بن الخطاب رضی الله عنه میرسد در سال هجرت و هفتاد و یک و هشتاد
 آنجناب روداده و دکتر ایام از تحصیل علوم فراغ حاصل کرده از والد ماجد خود اجازت سلسله چشمیه و قادریه و مہر زنی
 و کبریہ یافتند و بهر آن حجاز محل شوق بستند بحضرت اہلبی رسیدند و در بنجاب حضرت خواجه محمد باقی قدس سرہ العزیز
 دولت ملاقات دست بهم داده صحبت گیر افتاد و در طریقیه علیہ نقشبندیہ بیعت فرمودند و در دوام و چند روز نسبت حضور
 نقشبندیہ حاصل نمودند چنانچه بعد از ایام حضرت خواجه بیگی از مخلصان رقم فرموده اند که شیخ احمد نام مردیست از سرسندی
 کثیر العلم و قوی العمل ذری چند با فقیر نشست و خاست کرده عجائب بسیار از روزگار اوقات او مشاہد نموده بآن میاید که آنجا
 شود که عالم از روشن گرد آفتابی نیز حضرت خواجه فرمودند که شیخ احمد آفتاب است که مثل انوار آن ستاره مادر سایه او کم آید
 ارشادات خواجه در فضائل آنجناب بسیار است که روایا مختصراً بهمین قدر گفتارفت بعد از آنکه ایام آوازه حضرت
 بلند شده استمان فیض نشان ایشان محط رحال و مجمع اسحاب کمال گشت علما از دور نزدیک بخدمت رسیدند و املا از کتب
 و تاجیک بشرف حضور بهره و گردیدند شاخ عهد اراوت آوردند کابریا نه بتواضع برخاستند بدولت ایشان مس تا
 طلا شد و ذره نا آفتاب ات با برکات ایشان آتی بود از آیات الهی و نعمتی بود از نعمای ربانی نزاعی که در میان صوفیہ
 کرام و علمای اعلام از ہزار سال بود ایشان برداشتند و مورد حدیث حمل شدند چنانکہ در حضرت المقدس آمدہ علامہ
 سیوطی در جمع الجوامع حدیث روایت کرده کہ پیغمبر صلی الله تعالی علیہ وسلم فرمودہ کیوں فی اہتی رجل یقال لہ صلۃ بدخل
 البختہ یفانعتمہ کہ او کذا انما کہ اشارت بوجود مسعود حضرت ایشان باشد چنانکہ در میان علما و صوفیہ صلہ بود کہ چنانکہ
 و یقین ما در حدیث وجود بلفظ لرج و ہشتاد اند چنانکہ بعد تحریر این مقال خود نوشتم اند الحمد للہ الذی جعلتہ صلۃ بین العجز
 اہی اطلع بر غیبات و انوار بر خاطر و تصرف در کمونات اونی صفتی بود از صفات جمیلہ ایشان و کعبینہ و صغی بود از اوصاف
 جلیلہ آن جلی ایشان شمارہ خوارق و کرامات کہ در کتب مقامات مزی شدہ بہفت صد میرسد و با علمای آن کہ دانند کہ چقدر اسرار

صاد شده باشد بکلمه لایدرک کلمه لایترک کلمه یک دسه از آن عوارضی شود آورده اند که در میفرمودند و هر گرام یاران آنها
 باران کردند حضرت متوجه شدند از آمدن بارید و یگر یکی گفت غم حج داریم فرمودند ترا در عرفات می بینم سالها رفت حج
 رفتن پیشش بماند و یگر جان محمد نام باجری بود از مریدان حضرت از وی حکایت کرده اند که گفت سوزی تیرب شام
 جوی بدست من اوند فرمودند که میان حافظ در پیشی چند فرود آمده اند و میان ایشان سخن است که داغ چپ چپ
 دارد و در این جوی را مانده او را بیا رفتیم دیدیم که قلندری چند تنه اند و در پیشی داغ چپ چپ بر روی باندک فاسا
 نشسته چون مراد بود گفت که حضرت ترا پیش من در ستاده اند گفتیم آری و جویش ادم و دعای ایشان رسانیدم فرمود
 ما را طلبیدند خود نیامد عاقبت ما من دان شد و رسید حضرت از من قهوه خواستند آوردم فرمودند که آن در پیش
 برده بود که بطرف ن برگردم هم حضرت ایشان را یافتیم می گفت که حضرت ایشان بده باز که این سوره در چشم
 ایشان را دیدیم آن عزیز باجری من از حضرت پرسید از فرمودند که جان محمد نام پسر فلانی از جلند است و می گفت بد را
 با من نشان بود او در کدام سلسله می بود او را شاد کردند که در سلسله قادر پسر او گفت که بفارش من را حضرت غوث ^{الاعظم}
 رسانید یعنی الله تعالی حضرت را رسانند و بجانب ساره قطب اشارت فرمودند که جان محمد ستاره قطب شناسی من
 بود که بگیا با ما دیدیم که از میان قطب شخصی زنده سیاه در بیرون تیر سنجل رسید حضرت فرمودند که ملازم ^{الغوث}
 من پسر حضرت غوث است ساره قطب متوجه شدند در غایت شد چون مسجد دیدم آن عزیز گفت که غوث الاعظم را دیدی
 گفتیم آری از جمله الهامات و مبشرات ایشان که در کثیر است که اینست حضرت اک من توسل یک بسطه او بغیر بسط
 الی یوم القيمة و هر که طالب تقصیل کشف و کرامات و الهامات و مبشرات ایشان باشد بر اوست که رجوع نماید بکتب مقالات
 چون حضرت اندک بر کلمات احمد بود جز آن معارف جدید و حقاقت نادره که از آن قلم نورانی رقم ریخته است است که شیم
 شکران از آن خیره در روزها صدان از آن بر این مسارت و حقاقت که می شنوی این هدایت و ارشاد که می بینی با اعلی نه اند
 میکند که صاحب آن مجدد است و نه مجددان بل مجدد الف صده تا هزار فرقی نه اند که ست دو کتم تعلیم از مکارم خلاق
 و حسن سیرت ایشان چگونه صبر و شکیب نما و تسامح و تعظیم هر کس را و خورجالی می شفقت بر خلق صله رحم رعایت ارباب حقوق ^{است}
 و سلام نیست در کلام شکر می ایشان بود طریق ایشان کتاب سنت است این یک فضیلت مقام هزار فضائل تواند
 بود که تا می سخن در او آخر عمر کارخانه ارشاد و طلب با بنای کرام سپرده خود از خلوت قدس که نرم السن بود که بر می آمدند
 و اکثر اشاده بقریب فات خود می فرمودند تا دوازدهم محرم سال هزار و سی و چهار بطرحت گفتند که مرا نمودند که میان
 چهل و پنجاه روز خلوت من واقع خواهد شد چنانچه در رسیده بدقت صبح با پاسی از روز بر آمده بگری که شصت و سه سال بخت

سین عمر سرور و عالم علمی اید علیہ وسلم بود ازین خاکدان بی‌شکته‌ها. وان نقل فرمودند انما الیه سجون پس
 انتقال آن خلاصه را چه در زبان عقل و چه بعد از آن عجایب غریب که مشاهده افتاد و نیز این مختصر بمطالعه کتب
 مقامات است و مکتوبی که حضرت شیخ عبدالحق زین العابدین علیہ السلام بخدمت خواجه حسام الدین خلیفه حضرت خواجه باقی با
 قدس لیسر بیان نوشته اند و ز مد این مسطور عمده ابرو آن و آن کرده بودیم نیست درین ایام مقامی فقیر بخدمت
 میان شیخ احمد سلاله تعالی از حد تجاوز است در اوصاف پرده بشیریت و غشایه ببلیت بمیان نامه قطع نظر از عایت
 طریق و انصاف و علم غنا که باین چنین عزیزان و بزرگان بر نباید بود و باطن بطریق فوق و وجدان و غلبه چیزی
 افتاده که زبان از تفریق آن لال است بجان الله تعالی القلوب مبدل الاحوال باشد صاحب بیان اسبغاء کنند من نیندم
 که حال حدیث و بی‌شکوه است از حق بلیغ و سیدنا و مولانا محمد و آله و صحبه جمیعین بر تنگ بار رحم الهی

خامنه‌ها

شرح خاتمه چکیده خامنه از مظهر صفات این لوی محمد حسین امیر مومنان

حسین این ابرت مدنی علم و خیریت که شیخ اخبار غیبی بر سر است قدس و عالم علمی اید علیہ وسلم نایان نمود از نموس اخبارش
 اخبار بسیار اخبار را استفاد فرمود که جمیع اینها مستند است به نور شمس نیست چنان زبان که نام اید اسلموه و سلام بخدمت محضر
 صادق بشیری و پذیریت که عمل اخبار و احادیث و سبیل نوران اید بعامل نمود و بزرگوار از اسرار بر سر است که نور رسالت از من
 و این برین اساس ابعده حیرت محمد حسین فقیر ساکن بنت خاتمه شیخ محمد محمیل غفرنا الله جلین عرض می‌کند که در زندان
 که بر بار آمده و مساکین ابعث شیخ مور اسلا که درین میان منی توانم هیچ کس که مقصود دها و عاری سلمای مدای اهل صفا که
 است از کتاب سطحات حیات عاشقین ب غفار و آیات شاقیر جهان کردگار غیر بر این ااجنه و نا نفسین من نیا اید
 علیهم کانت الجنة نصیب استیدن چون جاده فواد و یلاد و کانت است نصیب استین مع و هاله فواشوقاه اسمی اخبار الا خار و
 الابر از نایب عالم دین بطلح حضرت شیخ عبدالحق بن سید الدین سکنه اسمی علی علیین از باب افادت اب مولوی عبدالاحد سلامه
 جلوه در آثار گویان و شسته بر نظر مشافان شود وقت است که نقد مغر و نیا بار معار و نای داد و بقود جانها مشرفی آن شوند
 و بصفا این نیت بدل خالی از غفلت باصلاح ظاهر و تصفیه باطن پر از نیا کنون نیتی است که گرفتاران سماع هزار دیدن کتب قصص کاذبه
 خلاف واقع مثل بدین و نساء عجایب و کجاولی اگر گل مغیره نماند که نای باطله شعر اغراض مزیده بمطالعه این نکره محبان خدا
 وجود خود با اطلای دست افشاگردانند و چراغ صدم خایه بود موسی اشع حرم توبه نقوی سازند و بالله التوفیق و بیدارنده استخیر
 اللهم اغفر لمصنفه و لمن طبعه و لنا ظمیر و لنا شر الحاکمه آمین آمین آمین

فہرست نقول و حکایات اخبار الاخیار فی اسرار الابرار

صفحہ	بیان ابرار	صفحہ	بیان ابرار	صفحہ	بیان ابرار	صفحہ	بیان ابرار
۲۶	شیخ بہاؤ الدین ذکریا	۲۲	خواجہ قطب الدین نختیار کاک	۲۲	خواجہ معین الحق والدین	۲۲	شیخ محی الدین عبد نقاد جیلانی
۲۳	شیخ جلال الدین تبریزی	۲۶	قاضی حمید الدین ناگورے	۲۶	شیخ حمید الدین صوفی	۲۶	سید نور الدین سبارک غزنوی
۲۴	شیخ محمد ترکازولی	۲۶	شیخ احمد ہزدانی	۲۶	شیخ برہان الدین محمودی	۲۵	شیخ نظام الدین
۲۹	خواجہ محمود مونسہ نور محمد علی	۲۹	شیخ بدر الدین موئی	۲۸	شیخ شاہی موئی باب	۲۸	شیخ ترک سیابانی
۵۰	خواجہ بست	۵۰	شیخ صدر الدین غزنوی	۵۰	شاہ حضرت رحمہ اللہ علیہ	۲۹	مولانا مجد الدین جامی
۵۰	شیخ نظام الحق تبریزی	۵۱	شیخ ذریعہ الملینہ والدین گنجنگر	۵۱	شیخ فخر الدین بن عدین الدین	۵۱	مولانا صاحب ادب
۶۰	شیخ صدر الدین سع	۶۰	شاہ کرد یزرع	۶۰	سید جلال الدین بخاری	۶۰	شیخ نجیب الدین سہکل
۶۰	شیخ جمال الدین احمد شاہ	۶۶	مولانا بدر الدین اسحق	۶۶	شیخ سلالہ الدین حسین	۶۶	شیخ کرم الدین ابوالفتح
۶۹	خواجہ نصیر الدین	۶۹	شیخ صابر	۶۸	شیخ عارف	۶۸	شیخ برہان الدین صوفی
۷۰	خواجہ یعقوب	۷۰	خواجہ نظام الدین	۷۰	شیخ بدر الدین سلیمان	۷۰	مولانا شہاب الدین
۷۱	شیخ نور الدین	۷۱	مولانا کمال الدین زاہد	۷۱	مولانا رضی الدین منصور	۷۱	مولانا داؤد پاپی
۷۳	شیخ ابوبکر طوسی حدادی	۷۳	سہمی سولہ	۷۳	شیخ تہجد الدین کرمانی	۷۳	شیخ صبار الدین وحی
۷۴	مولانا نور ترک	۷۴	شیخ علی رود بہر شہی	۷۴	شیخ عبد العزیز	۷۴	شیخ دیدار الدین
۷۶	شیخ نفی الدین محمد	۷۶	خواجہ حسن افغان	۷۵	خواجہ علی	۷۵	مولانا مخلص الدین
۷۷	قاضی جمال ملتانی	۷۷	شمس الملک	۷۷	مولانا علاؤ الدین سہولے	۷۷	شیخ برہان الدین شفی
۷۷	قاضی بہاج جرجانی	۷۷	شیخ احمد ہداونی	۷۷	شیخ شہاب الدین ہنوی	۷۷	شیخ صوفی بدہنی
۸۷	شیخ قطب الدین شوری	۸۷	شیخ سراج الدین عبان	۸۷	شیخ نصیر الدین محمود	۸۷	مولانا احمد حافظ
۹۶	مولانا فخر الدین موزی	۹۶	مولانا فخر الدین زراوی	۹۶	شیخ حسام الدین شاکر	۹۶	شیخ نور الدین

۹۳	مولانا علاء الدین فیضی	۹۳	شیخ برهان الدین غریب	۹۳	مولانا علی شاہ جانا	۹۳	شیخ علاء الدین بن شیخ بدالدین	۹۵	خواجہ محمد منجستہ
۹۵	خواجہ عزیز المومنین	۹۶	خواجہ تقی الدین نوح	۹۶	سید محمد بن محمد کرمانی	۹۶	سید محمد بن سید مبارک	۹۶	مولانا شمس الدین
۹۷	قاضی محمد الدین کاشانی	۹۸	مولانا جواد الدین یوسف	۹۸	مولانا جواد الدین پانی	۹۸	امیر خسرو دہلوی	۱۰۰	امیر حسن علی شجری
۱۰۲	خواجہ شمس الدین	۱۰۲	خواجہ ضیاء الدین	۱۰۸	خواجہ ضیاء بخشی	۱۰۸	مولانا ضیاء الدین	۱۰۸	مولانا جلال الدین
۱۰۸	خواجہ نوید الدین	۱۰۹	شیخ نظام الدین	۱۰۹	خواجہ شمس الدین		سنامی		اودھی
۱۰۹	خواجہ احمد بدایونی	۱۰۹	مولانا حمید عرفان	۱۱۲	شیخ حسام الدین	۱۱۲	شیخ حسام الدین	۱۱۳	خواجہ معین الدین
۱۱۵	خواجہ محمد	۱۱۵	خواجہ وحید	۱۱۵	شیخ عبدالدین سمرقندی	۱۱۶	شیخ رکن الدین	۱۱۶	شیخ نجیب الدین
۱۱۶	شیخ شرف الدین	۱۱۷	شیخ مظفر علی	۱۲۱	شیخ حسین	۱۲۱	شیخ شرف الدین	۱۲۱	شیخ عثمان سیاح
۱۲۹	شیخ ابوبکر ہمدانی	۱۲۹	شہاب الدین حقیقہ	۱۲۹	سید محمد بن یوسف حسنی		پانی پتی محمد دہلوی	۱۲۹	سید محمد بن جعفر
۱۳۹	جلال الدین بکبار	۱۴۰	شیخ علاء الدین	۱۴۱	مولانا خواجہ جگے	۱۴۱	مولانا معین الدین	۱۴۱	مولانا احمد تہا نیر
۱۴۳	شیخ صدیق الدین حکیم	۱۴۶	شیخ سراج الدین عالم	۱۴۶	سید علی الدین شیرازی	۱۴۶	قاضی شمس الدین	۱۴۶	یوسف بن سید جمال
	بن قوام الدین	۱۴۷	لمتانی حسینی	۱۴۷	قاضی عبدالقادر	۱۴۷	شیخ زین الدین	۱۴۷	شیخ نور الدین
۱۵۱	سید صدر الدین راجہ قتال بخاری	۱۵۱	خواجہ احمد اختیار الدین					۱۵۱	شیخ یوسف بدہ
۱۵۲	شیخ قوام الدین	۱۵۲	شیخ سادگ	۱۵۲	شیخ مینا	۱۵۲	شیخ احمد کبیر		
۱۵۷	قطب عالم	۱۵۷	شاہ عالم	۱۵۸	دورارا الملک	۱۵۸	قاضی محمود	۱۵۹	شیخ وجیہ الدین
۱۵۹	شیخ علاء الدین	۱۵۹	شیخ ابوالفتح	۱۵۹	شیخ علی	۱۵۹	شیخ سراج	۱۶۰	شاہ بدیع الدین
۱۶۱	شیخ نور	۱۶۱	میر سید شرف سمٹا	۱۶۱	شیخ فتح اللہ اودھی	۱۶۱	مسعود بک	۱۶۱	شیخ رفیع الدین
۱۶۸	شیخ پیارہ	۱۶۸	شاہ جلال بکراتی	۱۶۸	شیخ محمد ملا	۱۶۸	شیخ سعد اللہ	۱۶۸	شیخ رزق اللہ
۱۷۰	شیخ ابوالفتح جوہوری	۱۷۰	شیخ تقی	۱۷۰	شیخ تقی	۱۷۰	سید شمس الدین طاہر		
۱۷۱	شیخ عبداللہ شطرا	۱۷۱	شیخ حسام الدین	۱۷۱	مولانا جمال الدین	۱۷۱	مولانا خواجہ	۱۷۱	شیخ کالر
۱۷۲	مولانا شیخ	۱۷۲	شیخ علی پیر	۱۷۲	شیخ محمد حبیب	۱۷۲	قاضی شہاب الدین		
۱۷۶	قاضی نصیر الدین گنبد	۱۷۶	شاہ مہمان جیو	۱۷۶	شیخ کبیر	۱۷۶	خواجہ حسین گوری	۱۷۶	شیخ احمد محمد شہبانی

۱۸۱	شیخ خزانه دهر سو	۱۸۲	شیخ احمد عبدالحق	۱۸۵	شیخ صلاح ورویش	۱۸۵	شیخ جمالی گوجری	۱۸۵	شیخ مختاری
۱۸۶	شیخ عارف	۱۸۶	شاه داؤد	۱۸۸	شاه نور	۱۸۸	شیخ سعد الدین	۱۸۹	شاه سیدو
۱۸۹	راجی حامد غنہ	۱۸۹	راجی سید نور	۱۹۰	شیخ حسن ظاہر	۱۹۱	مولانا الہداد	۱۹۲	شیخ معروف
۱۹۲	شیخ بہاؤ الدین بزرگ	۱۹۲	شیخ بہاؤ الدین شطاری	۱۹۵	شیخ بہمن شطرسہ	۱۹۵	مخدوم مولانا عمار الدین	۱۹۵	شیخ علم الدین جامی
۱۹۶	مخدوم شہر محمدیہ	۱۹۶	مخدوم شیخ عبدالقادر	۲۰۰	شیخ عبدالرزاق	۲۰۰	سید زین العابدین	۲۰۰	مخدوم شیخ حامد
۲۰۰	شیخ موسیٰ	۲۰۱	شیخ داؤد	۲۰۲	میر سید اسماعیل	۲۰۲	شاه فیص	۲۰۵	مولانا اسماعیل الدین
۲۰۶	شیخ عبدالشہید	۲۰۸	سید کبیر الدین حسن	۲۰۹	شیخ حسام الدین متقی	۲۰۹	شاه عبدالقدوس شہیدی	۲۰۹	شیخ حاجی عبدالوہاب
۲۱۴	شاه جلال شہزادی	۲۱۵	شاه احمد عمری	۲۱۵	شیخ سلیمان	۲۱۵	شیخ عبدالقدوس	۲۱۵	شیخ عبدالقدوس
۲۱۸	شیخ امجد دہلی	۲۱۹	شیخ ادین ہلی	۲۱۹	شیخ یوسف قتال	۲۱۹	مولانا شیب	۲۲۰	مکات الدین بریلوی
۲۲۱	شیخ جمالی	۲۲۲	سید شاہ میرک	۲۲۳	سید حسین پائی منار	۲۲۳	شیخ یوسف جیراکی	۲۲۳	شیخ خانو گوالیری
۲۲۴	شیخ علاؤ الدین بن نور الدین	۲۲۴	سلطان پیر پٹی	۲۲۵	سید علاؤ الدین	۲۲۵	سید علی	۲۲۶	شیخ ادین حج پوری
۲۲۶	میان قاضی خان غزنی آبادی	۲۲۸	شیخ محمد مودود	۲۳۰	شیخ محمد حسن	۲۳۰	شاه عبدالرزاق جہنجا	۲۳۳	شیخ امان پانی پتی
۲۳۵	شیخ سیف الدین	۲۳۳	سلطان جلال الدین	۲۳۳	میر سید ابراہیم	۲۳۳	سید فیض الدین صدوق	۲۳۴	شیخ بہاؤ الدین مفتی
۲۳۴	شیخ حاجی حمید	۲۳۵	میر سید عبدالوہاب	۲۳۶	میر سید عبدالاول	۲۳۶	شیخ علی بن حسام الدین	۲۳۶	سید شیخ عبدالوہاب القادری
۲۳۳	شیخ عزیز اللہ شکر	۲۳۶	مخدوم جیو	۲۳۶	میان غیاث	۲۳۶	میان محمد ظاہر	۲۳۶	شیخ عبدالقدوس شہیدی
۲۳۳	شیخ حسین	۲۳۶	شیخ عبدالعزیز بن شہزاد	۲۳۵	شیخ جنید حصار	۲۳۵	میان نجم الدین	۲۳۶	شیخ برمان لہی
۲۳۶	شیخ سلیم بھاولپور	۲۳۶	شیخ نظام الدین بھاولپور	۲۳۶	شیخ جلال قنوی تریپورہ	۲۳۶	شیخ جلال الدین تہانوی	۲۳۶	شیخ اسحاق
۲۳۸	شیخ عبدالغفور بانی	۲۳۹	مولانا ورویش محمد	۲۳۹	مولانا بختی	۲۳۹	ذکر بعضہ جلیوت خط	۲۳۸	میان معروف
۲۳۸	شیخ علاؤ الدین مجدد	۲۳۹		۲۳۹	مسعود تھاکے	۲۳۹	شیخ حسین مجدد	۲۳۹	شیخ حسن زکریا
۲۳۲	شیخ عبدالقادر بھاولپور	۲۳۲	میان مونگر	۲۳۲	بابا کپور مجذوب	۲۳۲	بابن مجذوب	۲۳۲	الہدین مجذوب
۲۳۲	شاه منصور	۲۳۵	شیخ یوسف	۲۳۵	سوپہن مجذوب	۲۳۵	ذکر سائر صالح جامی بی	۲۳۶	بی بی خاطر سام
۲۳۶	شیخ زید شکر	۲۳۸	بی بی زلیخا والدہ شیخ نظام الدین اولیا	۲۳۹	بی بی اولیا	۲۳۹	تکلمہ	۲۳۹	
۳۰۰	فائزہ	۳۰۰	مناجات	۳۱۰	قصیدہ مصنف	۳۱۰	تمہذکر امام ربانی شیخ احمد مجدد ولف ثانی	۳۱۰	

واضح ہو

کہ اس مطبع مجتبیٰ دہلی میں برسم کی کتابیں اور قرآن شریف اور حامل سادہ ترجمہ
(اور اسی مطبع کی مطبوعہ حامل شریف معری و ترجمہ اردو ایک اشرفی فی غلطی ام
قیمت پندرہ بلا جلد و مجلد درجہ اول صریح محصول دیدہ ہوتی ہی ہو کتب و بیانات نامدار
اردو۔ کتب یہاں عربی۔ اسلامی و نیز کتب سرکاری سرشتہ تعلیم و کتب مصنفہ
فضلائی نامدار اسی حضرت شیخ عبدالحق محدث دہلوی و حضرت شاہ ولی اللہ حضرت شاہ عبدالعزیز
مولوی محدث قاسم صاحب و واقیب الدین خان صاحب رحمہم اللہ تعالیٰ و مولوی نذیر احمد صاحب مولوی
الطاف حسین حالی و شمس العلماء مولوی ذکار اللہ مولوی ابو محمد عبدالحق صاحب تفسیر سخاوی مستطاب
و دیگر کتب مطبوعہ مصر۔ بی کلکتہ لکھنؤ کابل پورہ اگرہ۔ بیلی لاہور میرٹھ
وغیرہ وغیرہ و کتب مختلف علوم و فنون منطق معانی ادب طب لغات
نصوف ہنر ہندسہ ریاضی جبر و مقابلہ تاریخ جغرافیہ طبیات
مناظرہ باشندہ و دواہین مولود وغیرہ موجود ہیں۔ ہر صاحب فرمائش کی
تعمیل بحالت ہوتی ہر شائقین مطبع مجتبیٰ دہلی کے چہرے کا ہیں